



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

احیاگری و نسبت آن با ایمان دینی

احد فرامرز قراملکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احیاگری و نسبت آن با ایمان دینی

نویسنده:

احد فرامرز قراملکی

ناشر چاپی:

احد فرامرز قراملکی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	احیاگری و نسبت آن با ایمان دینی
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	اهمیت بحث از احیای دین
۷	نمونه‌هایی از ابهامهای موجود در مسأله احیای دین
۷	تقدم ایمان دینی بر احیاگری دین
۷	گزارش اجمالی از اندیشه‌های دانشمندان مسلمان در چیستی ایمان دینی
۸	دو تصویر عمده از ایمان دینی نزد متکلمان
۸	تصویر رفتاری از ایمان
۹	تصویر شناختاری ایمان
۹	احیاگری و تصویر شناختاری ایمان
۱۰	احیاگری و تصویر رفتاری ایمان دینی
۱۰	احیاگری امام حسین و امام خمینی
۱۱	وهابیت، احیاگری یا بدعت‌گزاری
۱۱	احیاگری و مسأله تکفیر
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

احیای و نسبت آن با ایمان دینی

مشخصات کتاب

نویسنده: احد فرامرز قراملکی

ناشر: احد فرامرز قراملکی

چکیده

بسیاری از ابهام‌های بحث از احیای دین، اعم از ابهام‌های مقام تصور یا مقام تصدیق، ناشی از عدم تبیین نسبت احیای و ایمان دینی است. احیای دین، هم در مقام دستور و هم در مقام تحقق بر ایمان دینی مسبوق است. بنابراین شناخت ایمان دینی، هویت احیای دین را مشخص می‌کند. علی‌رغم اختلافات فراوان دانشمندان مسلمان در چیستی ایمان، می‌توان دو تصویر عمده از ایمان دینی را نزد آنها نشان داد: تصویر رفتاری ایمان، که خوارج، جمهور معتزله، سلفیه و همه‌ی اهل حدیث بر آن هستند و تصویر شناختاری ایمان، که دیدگاه شیعه، مرجئه و اشاعره است. البته تصویر سوم نیز وجود دارد که از بحث ما خارج است یعنی تصویر گفتاری ایمان، آن گونه که نزد کرامیه مطرح است. احیای بر مبنای تصویر نخست از ایمان دینی، هویت فکری خواهد داشت و محیی دین به احیای اندیشه‌ی دینی همت خواهد گماشت؛ در ابعاد سه گانه آن: تهذیب اندیشه دینی از التقاط، بازسازی هندسه‌ی معرفتی اندیشه‌ی دینی و نوفهمی و بازفهمی اندیشه دینی. احیای بر مبنای تصویر دوم به معنای احیای زندگی آیینی است و زنده کردن حاکمیت مطلقه‌ی خداوند در حیات دینی مسلمین است. احیای امام حسین (ع) به منزله مثالی مورد اشاره قرار گرفته است. در پایان به تحلیل اجمالی ادعای احیای و هابیت و به تبع آن نسبت احیای با تکفیر پرداخته شده است. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

اهمیت بحث از احیای دین

اهمیت بحث از احیای دین با توجه به این نکته روشن تر می‌شود که جامعه‌ی نوین ما بیش از هر امری، هویت خود را وامدار احیای دین است. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یک احیای بزرگ با الگو قرار دادن امام حسین (ع) قیام کرد و جامعه‌ی نوین ما را بنیان نهاد. [۱] عبارتی از آن حضرت را در این زمینه، طلیعه سخن قرار می‌دهیم: «حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه دیدند که معاویه و پسرش - خداوند لعنتشان کند - اینها دارند مکتب را از بین می‌برند دارند وارونه اسلام را جلوه می‌دهند؛ اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند؛ نیامده است قدرت برای خودش درست کند، آمده است انسان درست کند. اینها، این پدر و پسر مثل این پدر و پسر (اشاره به رضاخان پهلوی و پسرش محمدرضا) اسلام را وارونه داشتند نشان می‌دادند. [۲]. بحث از احیای دین علی‌رغم پیشینه‌ی تاریخی آن در فرهنگ اسلامی، هنوز از ابهام فراوانی برخوردار است. وقتی در باب احیای دین به تأمل می‌اندیشیم، خود را با ابهام‌های فراوانی در مقام تصور و نیز در مقام تعیین مصداق، روبرو می‌بینیم به گونه‌ای که دریافتن تعریفی روشن و دقیق از احیای دین و یافتن ملاک تمایز در مقام تعیین مصداق، ممتنع می‌نماید. تأمل منطقی در این ابهام‌ها نشان می‌دهد که اساساً بحث از احیای دین بدون تفسیر روشن از نسبت احیای با ایمان میسر نیست. احیایگران، بدون اینکه خود را به نظریه‌پردازی مشغول سازند و به دلایلی که ذکر خواهد شد به احیای دین پرداخته‌اند. اگر چه توفیق عملی در احیای دین خود به روشن شدن نسبت احیای با ایمان دینی وابسته است، لکن محییان، اغلب در این خصوص به موضع‌گیریهای شتابزده بسنده کرده

و نظریه‌پردازی را در این باب به متأللهانی سپرده‌اند که در خصوص احیای دین به تأملات نظری می‌پردازند.

نمونه‌هایی از ابهامهای موجود در مسئله احیای دین

به پاره‌ای از ابهامها و پرسشهایی که در زمینه احیای دین وجود دارد که پاسخگویی به آنها در گرو تبیین روشمند نسبت احیاگری و ایمان دینی است، اشاره می‌کنیم: ۱- آیا مفهوم احیای دین معنای محصلی دارد؟ ۲- آیا احیای دین وقوعاً ممکن است؟ ۳- آیا مراد از دین در احیای دین، دین خاص است و یا در حیطه‌ی هر دینی می‌توان بحث از احیا را مطرح نمود؟ ۴- آیا مفهوم «احیا» در (احیای دین اسلام) و (احیای دین مسیحیت) معنای واحدی دارد؟ ۵- فرق احیاگری با اصلاحگری چیست؟ آیا محییان همان مصلحان هستند؟ اگر تغیری هست، نسبت بین احیاگران و مصلحان دینی در چیست؟ ۶- آیا بعثت انبیا را می‌توان به معنای عام کلمه، احیای دین نامید؟ آیا می‌توان گفت: همه‌ی انبیا محیی دین حنیف هستند؟ ۷- آیا سخن از الهیات جامع ادیان به معنای جستار از جوهر مشترک ادیان است؟ و آیا زدودن تعینهای مختلف فیه را می‌توان در میان نظریه‌های احیای دین طبقه‌بندی کرد؟ ۸- متعلق احیای دین چیست؟ آیا احیاگر با هویت اجتماعی - تاریخی دینداران سروکار دارد و یا با منزل سیاسی - اقتصادی آنها رویارویی دارد یا اساساً متعلق احیای دین حیات دینی و یا اندیشه‌ی دینی است؟ ۹- احیاگری شان کیست؟ هر انسانی یا متدینان؟ دگراندیشان یا راست‌کیشان؟ متأللهان یا مصلحان اجتماعی؟ متکلمان یا مبلغان؟ ۱۰- بحث از احیای دین از مسائل چه نوع دانشی است؟ کلام یا فلسفه دین؟ جامعه‌شناسی یا دانش حوزه‌ی متأللهان؟ ۱۱- ملائک تمایز احیای دین با جریانهای انحرافی که خود را محیی دین می‌انگارند، چیست؟ به عنوان مثال با چه ملاکی می‌توان در احیاگری نظریه‌ی پاکدینی کسروی، داوری همگانی داشت؟ و چگونه می‌توان ادعای احیاگری وهابیت را نقد کرد؟

تقدم ایمان دینی بر احیاگری دین

در ابتدا به نظر می‌رسد نسبت بین احیاگری و ایمان دینی، تصوراً و تصدیقاً، محتاج شناخت دو طرف آن است: ۱- شناخت ساختار معنایی مفهوم احیاگری و بررسی شرایط تحقق آن ۲- شناخت ساختار معنایی مفهوم ایمان دینی و زمینه‌های طلب ایمان و پاسخ به آن مشکل در این است که مفهوم نخست را بدون متعلق آن (مفهوم دوم) نمی‌توان شناخت. علاوه بر این کسانی که درباره‌ی احیای دین سخن گفته‌اند، آن را براساس روش و شیوه‌ها تعریف کرده، و تحلیل ساختار درونی آن را ارائه نکرده‌اند. سر مطلب در این است که نسبت بین احیاگری و ایمان دینی از نوع اضافی مقولی نیست؛ به گونه‌ای که تصوراً و وجوداً اضافه به طرفین منوط باشد، بلکه نسبت بین عارض و معروض است. دین و ایمان دینی معروض احیا می‌شود. احیاگری به چند معنا مسبوق بر ایمان دینی است: ۱- تقدم وجودی معروض بر عارض، طبق قاعده‌ی فرعی تا ایمان دینی وجود نداشته باشد، سخن از احیای آن بی‌معناست. ۲- تقدم انگیزه برانگیخته: احیای دین شأن متدینی است که درد دین دارد. محیی دین به انگیزه‌ی ایمانی و در مقام حراست، باروری و درمانگری ایمان دینی به احیای دین می‌پردازد. ۳- تقدم معرفت بر عمل، معنای دوم نشان می‌دهد که عمل احیاگری مسبوق به دو امر است: یک - ایمان دینی مشترک بین احیاگر و جامعه دینی که وی به آن متعلق است. دو - تصویر خاص از ایمان دینی که بر مبنای آن آسیب‌پذیری و آفت‌زدگی ایمان دینی معنا می‌شود. متعلق اساسی احیاگری، ایمان دینی است و امور دیگر از قبیل اندیشه دینی، جامعه دینی و... به این عنصر اساسی قابل برگشت است. بنابراین برای تبیین نسبت بین احیاگری و ایمان دینی، نیازمند تحلیل ایمان دینی هستیم.

گزارش اجمالی از اندیشه‌های دانشمندان مسلمان در چیستی ایمان دینی

بحث از ایمان دینی، علی‌رغم اینکه در متون کلاسیک کلامی به بحث فرعی (مسأله‌ای از مبحث ثواب و عقاب در مبحث معاد) تبدیل شده از مهمترین مسائل دین و در تاریخ اندیشه‌ی اسلامی از پرسابقه‌ترین آنهاست. نکته‌ی اول در تحلیل ایمان، این است که در خصوص ایمان دینی با عنصر واحدی و یوینو نیستیم بلکه در ساختار معنایی ایمان حداقل با دو عنصر روبرو هستیم که خلط بین آنها بر ابهام بحث می‌افزاید. عنصر نخست، متعلق ایمان است که نزد متکلمان به عنوان اصول معروف است. عنصر دوم خود فعل ایمان است که به فرد مؤمن منسوب است و از آن در زبان فارسی به گرویدن تعبیر می‌شود. دانشمندان مسلمان در خصوص هر دو عنصر اختلاف نظر دارند. برخی از متکلمان در گزارش آرای گوناگون در چستی ایمان به طبقه‌بندی آنها پرداخته‌اند. [۳] در این گفتار مختصر به نقل یکی از این طبقه‌بندیها بسنده می‌کنیم: فعل ایمان ۱- فعل جوانحی صرف، الف: معرفت و علم: شیعه، ب: تصدیق (تصدیق نفسانی یا ربط القلب): اشاعره ۲- فعل جوارحی صرف، الف: اقرار به زبان فقط: کرامیه، ب: جمیع طاعات (نوافل و فرائض): خوارج، قدمای معتزله و... طاعات واجب و نه نوافل و ابوعلی جبایی و فرزندش و بیشتر معتزله بصره ۳- فعل جوانحی - جوارحی، الف: تصدیق به اضافه اقرار به زبان: ابوحنیفه و خواجه در تجرید، ب: تصدیق بالجنان: اقرار باللسان و عمل بالارکان: محدثین، جمعی از سلف مانند ابن مجاهد

دو تصویر عمده از ایمان دینی نزد متکلمان

آرای گوناگون در تعریف ایمان را می‌توان به دو تصویر عمده: تصویر رفتاری و تصویر شناختاری، ارجاع داد. می‌دانیم که تاریخی‌ترین نزاع کلامی از متکلمان، ارتباط ایمان با عمل است. این نزاع، متکلمان را غالباً به دو دسته تقسیم کرده است: کسانی که ایمان را بر مبنای عمل تعریف کرده و کسانی که عمل را در تعریف ایمان اخذ نکرده‌اند. تصویر دسته‌ی اول از ایمان را تصویر رفتاری از ایمان می‌نامیم که در ذیل به بررسی برخی از مهمترین اندیشه‌ها در این باب می‌پردازیم:

تصویر رفتاری از ایمان

۱-۱- خوارج، عمل را جزوی از ایمان می‌انگاشتند و با اخذ عمل به طاعت و ترک معاصی در مفهوم ایمان، مرتکب کبیره (فاسق) را کافر می‌پنداشتند. فاسق از نظر خوارج، خارج از جامعه‌ی دینی و داخل در جامعه‌ی کفر است. ۲- ۱- معتزله نیز، عمل را در تعریف ایمان اخذ می‌کردند، البته نه با انگیزه‌ها و دلایل خوارج. آنها بر مبنای همین تصور از ایمان، مرتکب کبیره را از جامعه‌ی ایمانی خارج می‌دانستند. اما این به معنای کافر انگاشتن فاسق نبود بلکه برای فاسق منزلتی بین ایمان و کفر قائل بودند. ۱- ۳- جمهور اهل سلف و همه ائمه حدیث (از اهل سنت) و کسانی چون شافعی و اوزاعی نیز عمل را در تعریف ایمان دینی اخذ می‌کردند، اما مرتکب فسق را بر خلاف خوارج و معتزله، خارج از جامعه‌ی ایمانی نمی‌دانستند بلکه وی را خالد در نار و محروم از بهشت می‌دانستند. یکی از انگیزه‌های معتزله، سلفیه و ائمه حدیث (از اهل سنت) در رفتار انگاری ایمان، برداشت آنها از وحی قرآنی است. مهمترین عنصر وحی در اسلام، حدود الهی است. مؤمن، در درجه‌ی اول، عبد خداست. مفهوم عبد، بیانگر مفهوم ایمان است. نسبت بین عبد و خدا، نسبت مکلف و مکلف است. به همین جهت تکلیف، زیربنایی‌ترین مفهوم در نظام کلامی معتزله است. در این فضای کلامی طلب ایمان، طلب طاعت و انجام تکلیف است. علی‌رغم اینکه معتزله را خردگرایان نامیده‌اند، توجه آنها به جنبه‌ی رفتاری ایمان با همه‌ی نظام کلامی آنها سازگار است و از این جهت معتزله با کسانی که وصف خردگرایی در مقابل آنها یافته‌اند، یعنی اهل حدیث و سلفیه، هم‌رأی هستند. ابن تیمیه در الایمان آورده است: «هنگامی که ایمان، بر و تقوی به گونه‌ای مطلق به کار می‌روند، امر واحدی هستند؛ بنابراین کلمه ایمان وقتی به گونه‌ای کامل به کار رود، به معنای خود شامل اعمال می‌شود. ایمان دینی در اسلام جدایی از عمل ندارد. البته عدم ایمان و جدایی از عمل به چند صورت قابل تفسیر است. تفسیر تیلیخ این است

که در تیپ ایمان اسلام عنصر رئونتولوژیک بیش از عنصر انتولوژیک است و مؤمن مسلمان حضور خداوند را در اوامر و نواهی الهی تجربه می‌کند. تفسیر معتقدان به تفسیر رفتاری ایمان از انفکاک‌ناپذیری عمل از ایمان، ذاتی انگاشتن عمل نسبت به ایمان است به معنای ذاتی ایساغوجی. اشاعره و شیعه این جدایی را به معنای انفکاک‌ناپذیری عرض لازم دانسته‌اند.

تصویر شناختاری ایمان

بسیاری از متکلمان، ایمان را از جنس افعال قلبی صرف دانسته‌اند. در این دیدگاه بدون اینکه از ارزش عمل به طاعات کاسته شود و یا انفکاک‌ناپذیری عمل از ایمان نادیده گرفته شود. از اخل عمل در تعریف ایمان خودداری شده است. به تعبیر فاضل مقداد در اللوامع الالهیه اقرار به زبان کاشف از ایمان، و اعمال، ثمرات فعلی آن است. [۴]. همه شیعیان [۵] غالب اشاعره [۶] در این خصوص هم‌رأی هستند. آنها در تفسیر ماهیت فعل قلبی که ایمان نام دارد، اختلاف نظر دارند. تفتازانی آرای آنها را در چهار گروه طبقه‌بندی کرده است: ۲/۱ - معرفت و علم در مقابل جهل - تفتازانی این رأی را به شیعه نسبت می‌دهد. معرفت‌انگاری ایمان نزد بسیاری از فرق مرجئه [۷] و برخی از گذشتگان شیعه دیده می‌شود. در مقام نقد، عده‌ای آن را مغالطه «این از آن پس این همان» دانسته و عده‌ای آن را مغالطه‌ی کنه و وجه انگاشته‌اند. ۲/۲ - تصدیق در مقابل انکار و تکذیب. تفتازانی این نظر را از آن اشاعره می‌داند و آن را با معنای لغوی واژه‌ی ایمان منطبق می‌انگارد. وی در توضیح از چستی تصدیق به تحلیل بوعلی، که سخن او را در این مقام حجت می‌داند، ارجاع داده است. مراد از تصدیق، تصدیق به معنای منطقی است و مترادف با یقین باب برهان به کار می‌رود؛ شهید ثانی در حقایق الایمان بر همین رأی رفته است. ۲/۳ - تسلیم. غزالی در باب ایمان چنین دیدگاهی اخذ کرده است. [۸] تفتازانی در توضیح مراد غزالی آن را دوپهلویافته است از حیث علم‌انگاشتن ایمان و علم ندانستن آن [۹]. ۲/۴ - کلام نفس. دیدگاه امام الحرمین جوینی، استاد غزالی در باب ایمان بر این رأی است. در تفسیر ایمان به منزله‌ی فعل قلبی آرای دیگری نیز وجود دارد که به دلیل عدم شهرت در گزارش تفتازانی و سایر متکلمان نیامده است؛ مانند تفسیر برخی از فرقه‌های مرجئه مانند صالحیه و شمیره که بر مبنای آن ایمان از مقوله‌ی احساس، محبت و عشق است. وجه مشترک همه‌ی آرای که تفتازانی نقل کرده، ماهیت شناختاری ایمان است. ایمان شناخت معارف دینی و تصدیق آنهاست و کفر به معنای تکذیب باورهای دینی است. به همین دلیل، این تصویر از ایمان را تصویر شناختاری می‌نامیم. علاوه بر دو تصویر عمده که ذکر شد، تصویر دیگری نیز وجود دارد که ایمان را همان اقرار به زبان و گفتن کلمه‌ی شهادتین می‌انگارد. کرامیه اساساً ایمان را جزء کلمه‌ی شهادتین نمی‌دانند. عبدالله بن سعید از متکلمان اشعری، ایمان را اقرار ناشی از معرفت و تصدیق قلبی می‌داند. [۱۰] همچنین است دیدگاه مرقاشی و قطلاین. [۱۱] از متکلمان شیعی، خواجه نصیر توسی در یکی از دو تعریف خود از ایمان اقرار به لسان را نیز اخذ کرده و بر آن تأکید نموده است. [۱۲] علامه حلی در برخی از آثار خویش از وی پیروی کرده است. [۱۳].

احیای و تصویر شناختاری ایمان

بر مبنای هر یک از دو تصویر عمده از ایمان دینی، احیای تعریف و بینش خاصی می‌یابد. بر مبنای تصویر شناختاری ایمان، وحی در درجه اول عقل آدمی را مورد خطاب قرار داده، بروی مجموعه‌ای از معارف ارائه می‌دهد. طلب ایمان از مخاطب به معنای طلب شناخت و تصدیق این معارف است. مؤمن این معارف را تصدیق، و کافر آنها را انکار و تکذیب می‌کند. معارف دینی در معرض آفتهای متعددی است. از جمله: نفوذ معارف غیر دینی در آنها (آفت التقاط)، مهم شدن معارف فرعی‌تر و کم اهمیت گشتن معارف اصلی، فهمهای ناصواب از مفاهیم دینی (آفت کج‌فهمی). احیای دینی که مبنای وی در ایمان دینی، تصویر شناختاری است به جنبه‌ی نظری دین‌نظر دارد. احیای دین از نظر وی احیای علوم دینی و یا به طور کلی احیای اندیشه‌ی دینی است با روشهای مختلف

پیرایش، آرایش و بازسازی اندیشه‌ی دینی (برحسب سه نوع آفت در اندیشه‌های دینی که ذکر شد). احیاگری به این معنا به تعیین متعلقات ایمان و اصل و فرع کردن آنها منوط است؛ به همین جهت است که متکلمان سعی کرده‌اند معارفی را که متعلق به ایمان دینی هستند، نظام دهند. محور این نظام اصول معارف دینی است که متعلق ایمان دینی، و نبودن آنها به معنای خروج از ایمان و ورود به کفر است. معتزله در نظام معرفتی خویش پنج اصل را متعلق ایمان دینی می‌دانند: توحید، عدل، نبوت، امر به معروف و نهی از منکر، وعد و وعید. [۱۴] خواجه توسی اصول عقاید شیعه را بر سه قسم دانسته است: توحید و عدل، نبوت و امامت. [۱۵] غزالی در نظریه احیای علوم دین به اخلاق دینی اصالت می‌دهد و اقبال لاهوری بر بازسازی اندیشه‌ی دینی تأکید می‌کند.

احیاگری و تصویر رفتاری ایمان دینی

احیای دین بر مبنای تصویر رفتاری ایمان، شکل دیگری پیدا می‌کند. زیرا در این تصویر، ساختار ایمان، عمل به معنای انجام طاعات و ترک معاصی است. و آنچه به منزله‌ی دین تلقی می‌شود و رفتار دینی است اعم از رفتار اخلاقی و فقهی. زندگی دینی در این تصویر به معنای آیینی زیستن است. متدین کسی نیست که به معارفی تصدیق کند بلکه کسی است که طبق آیین دینی زندگی کند. حیات دین به اندیشه‌های دینی نیست بلکه به زندگی آیینی است. در این صورت آسیب‌پذیری حیات دینی به معنای آفت زدگی زندگی آیینی متدینان است و احیای دین به معنای زنده کردن زندگی آیینی است. زندگی آیینی در معرض چند آفت عمده است: فراموشی اوامر و نواهی الهی و دور افتادن متدین از زندگی آیینی، جابجایی در هندسه‌ی اوامر و نواهی: احکام خمس و نیز تقسیم گناهان به کبیره و صغیره نشانگر هندسه خاصی از مجموعه اوامر و نواهی الهی است. مهمترین آفت در ایمان دینی بر این مبنای نشانیدن غیر خدا در مسند الوهیت است. چه اینکه فرد، خود را در چنین مسندی بنشانند و یا حاکم طاغوتی را خدا بدانند، به تعبیر دیگر مهمترین آفت در ایمان دینی، شرک است. ایمان دینی در بینش قرآنی مهمترین ضربه‌ی اخلاقی بر روح تکبر و خودپسندی جاهلی (حمیه الجاهلیه) است. احیاگری دین بر این مبنای احیای عبودیت خداوند و زنده کردن زندگی آیینی است.

احیاگری امام حسین و امام خمینی

احیاگری امام خمینی (ره) را می‌توان احیای عبودیت خداوند و زدودن حاکمیت طاغوت و نشانیدن حاکمیت الله به جای آن دانست. تکلیف‌گرایی امام خمینی (ره) در نهضت، خود بر همین اساس مبتنی است. نهضت امام حسین (ع) در دیدگاه امام خمینی (ره) نیز احیای دین به معنای زنده کردن حاکمیت الله و نشانیدن اوامر و نواهی الهی به جای حاکمیت طاغوت است. رهایی از بردگی و رسیدن به عبودیت. «خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند، این نبود که غضب خلافت کردند - این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند، این بود که اسلام را به صورت سلطنت می‌خواستند دریاورند. می‌خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند. به اسم اینکه ما خلیفه‌ی رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به رژیم طاغوتی... اینها اسلام را وارونه می‌خواستند بکنند. این خطر را سیدالشهدا دفع کرد. قیام سیدالشهدا سلام الله علیه، قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می‌خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می‌کرد، اسلام یک چیز دیگر می‌شد. اسلامی که آمده بود و می‌خواست رژیم سلطنتی را به هم بزند. و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می‌خواست طاغوت را بشکند و الله را به جای آن بنشانند. اینها می‌خواستند الله را بردارند و طاغوت را جایش بنشانند. همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق.» [۱۶]. احیاگری امام حسین (ع) در واقع و در درجه‌ی نخست به بازیابی ایمان دینی منعطف است. امویان سعی کردند با تغییر حاکمیت الله به حکومت طاغوتی، ایمان دینی را تحریف کنند. خلق را از طاعت خداوند به طاعت خویش انحراف دهند و این تحریف جوهره‌ی ایمان است چرا که جوهره‌ی ایمان تسلیم محض بر فرمانهای الهی بودن است و یا اعم از اینکه آن را عرض لازم بدانیم (بر رأی شیعه) و یا ذاتی

مقوم (به رأی معتزله)

وهابیت، احیاگری یا بدعت‌گزاری

این گفتار را با تحلیل اجمالی یکی از جریان‌هایی که در تاریخ حیات دینی اسلام به اسم احیای دین، اما براساس نوعی انحراف از ایمان دینی، پدید آمده است به پایان می‌بریم: وهابیت خود را وامدار اندیشه‌های سلفی متاخر، مانند ابن تیمیه و ابن قیم، می‌داند. در این تحلیل اجمالی نشان خواهیم داد که شعار سلفی در آنچه به اصطلاح آنها احیای دین تلقی می‌شود، همان شعار خوارج است و خوارج، انحرافی در ایمان دینی را باعث شده‌اند. در مباحث پیشین گفته شد: خوارج در تعریف دین، عمل را به منزله رکن اساسی اخذ کردند. آنها ارتکاب کبائر را مهمترین آسیب در حیات دینی اسلام انگاشتند و با شعار «ان الحكم الا لله» به پیراستن طاعت‌های غیر خدایی برخاستند. مهمترین مشکل خوارج در این مقام، تمایز مصداقی است که به آن اشاره خواهد شد. سلفیه متاخر نیز در تعریف ایمان بر عمل تأکید کردند و هر گونه ارتکاب معصیت را شرک و کفر انگاشتند. وهابیت نیز همین راه را انتخاب کردند و آن را به منزله‌ی احیای دین تلقی کردند. برای تحلیل هویت احیاگری این سه فرقه (خوارج، سلفیه و وهابیت) شیوه‌ی آنها را مورد تأمل قرار می‌دهیم. شیوه‌ی واحد آنها در رسیدن به هدف، تکفیر است. البته تکفیر نزد متکلمانی که از ایمان تصویر شناختاری دارند نیز مطرح است لکن آنها تکفیر را در زمینه‌های شناختی و معرفتی به کار بسته‌اند. اما این سه فرقه تکفیر را در زمینه‌های رفتاری مطرح می‌کنند. تحلیل روش تکفیر نزد این سه فرقه، میزان وفاداری آنها را به ایمان دینی نشان می‌دهد.

احیاگری و مسأله تکفیر

مورخان اندیشه کلامی، مسأله تکفیر را غالباً به خوارج برمی‌گردانند و شکل‌گیری عمده خوارج به عنوان حزب سیاسی به جریان حکمیت ابو موسی اشعری و عمرو عاص در جنگ صفین مربوط می‌شود. آنها در قدم نخست براساس اینکه «کل ذی ذنب و معصیه، فهو کافر» به تکفیر کسانی پرداختند که قائل به حجیت حکم بشری بودند. [۱۷]. در قدم دیگر، فرقه‌های افراطی خوارج، مانند ازارقه به مشرک‌انگاری تمام مسلمانان غیر موافق با مرام و اندیشه‌ی خود در همه‌ی جزئیات، پرداختند و مسلمانان غیر مهاجر به اردوی ازارقه را مهدور الدم و المال انگاشتند. [۱۸] در قدم‌های بعدی استعراض و تفتیش عقاید به ضرب شمشیر مطرح شد. آنها به گزارش ابن حزم اندلسی به ضرب شمشیر باور مردم را مورد پرسش قرار می‌دادند. مجوسان، مسیحیان و یهودیان را امان بود اما مسلمان غیر معتقد به اصول خوارج کشته می‌شد. [۱۹]. آنها تحلیل خویش‌س را از ایمان دینی تنها تحلیل ممکن می‌دانستند و کسانی که حاکمیت غیر الهی را بپذیرند، البته آنچه خوارج حاکمیت غیر الهی می‌پندارد، از ایمان دینی خارج هستند و لذا کافر و مشرک هستند و باید کشته شوند. سلفیه در تکفیر و مشرک‌انگاری مسلمانان همان راه خوارج را پیمودند، ابن تیمیه می‌نویسد: «از انواع شرک، طلب حاجت از مردگان است و یاری خواستن از آنهاست و این اساس شرک است... هر کسی در خصوص نبی و یا انسان صالحی غلو کند و در حق وی الوهیتی قائل شود به عنوان مثال بگوید: ای سید من، یاورم باش... همه‌ی اینها شرک و گمراهی واقعی است و باید توبه کند و الا کشته شود. [۲۰]. محمد بن عبدالوهاب نیز در کشف الشبهات و نیز در رساله‌ی اربع قواعد بر همین مذهب رفته است. تکفیری که باب آن به وسیله‌ی خوارج گشوده شد و با گشاده‌دستی وهابیت رواج یافت به تحریف مفهوم قرآنی ایمان دینی منجر شد. ایمان در مفهوم قرآنی در تقابل با کفر است و براساس آن جامعه‌ی دینی از جامعه‌ی غیر دینی متمایز می‌شود. اما براساس تکفیر، کفر و ایمان به جامعه‌ی ایمان نفوذ کرد و جامعه‌ی دینی را بر دو قسمت کرد: تمایز راست‌کیشان از مؤمنان ناخالص. این تصور که فسق یعنی کفر و در مقام مصداق فسق یعنی عدول از حاکمیت الله (با تفسیرهای مشخص این فرقه) موجب تباهی جامعه دینی شد؛ زیرا تصویر ایمان دینی تغییر پیدا کرد. در نمودار زیر این تغییر نشان داده می‌شود: اساس بدعت

خوارج، سلفیه و وهابیت این است که مفهوم ایمان دینی تغییر یافت. البته این تغییر مفهومی ریشه در تصاویر رفتاری ایمان دارد. اخذ عمل در تعریف ایمان، مسلمانان مرتکب کبائر را غیر مؤمن معرفی می‌کند و لابد غیر مؤمن، کافر است؛ اگر چه در جامعه‌ی اسلامی است. این تغییر مفهومی را با مشکل مقام مصداق ترکیب کنیم، فاجعه‌ی تباهی امت به دست چنین مدعیان احیا روشن می‌گردد. تاریخ مسأله تکفیر نشان داده است که در مقام مصداق، ملا-ک تمایز دقیقی در دست نیست. مسأله ابتدا در خصوص ارتکاب کبائر است. گذشته از ملا-ک تمایز کبائر و صغائر. تکفیر به مرتکب گناه به طور کلی سرایت می‌کند و در قدم دیگر جنبه‌ی نظری می‌یابد: چه گناهی بالا-تر از عدم وفاداری به این تصور خاص از ایمان؟ و به این ترتیب امت یکپارچه‌ی اسلامی به اقلیت وفادار به حزب خوارج (آن هم در فرقه‌های فرعی آن) و اکثریت کافر، مشرک تقسیم می‌شود و سرنوشت اکثریت قتل است. تکفیر تا اندازه‌ای پیش رفت که برخی انبیای اولوالعزم را نیز تکفیر کردند، مانند تکفیر حضرت موسی به دست جهمیه آن هم به دلیل درخواست رؤیت که منطقی بر جسم‌انگاری خداوند مبتنی است و تا حدی پیش رفت که برخی از فرقه‌های معتزله به تکفیر العامة اعتقاد یافتند. رواج تکفیرهای دو جانبه نه تنها ایمان دینی را به باورهای حزبی تحریف می‌کند بلکه آتش جنگ در امت مسلمان را روشن می‌سازد و جز تباهی ثمره‌ای ندارد. پس چقدر فاصله است بین نابودی امت محمد (ص) و احیای دین او.

پاورقی

- [۱] تفصیل مطالب را بنگرید به: فرامرز قراملکی، تأثیر نهضت عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره) مجموعه مقالات ششمین سمینار بررسی سیره‌ی نظری و عملی حضرت امام خمینی، جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران.
- [۲] بیانات امام در جمع روحانیون و طلاب حوزه‌ی علمیه قم، ۷/ ۴/ ۵۸، صحیفه‌ی نور، ج ۷، ص ۲۳۰.
- [۳] در خصوص طبقه‌بندی آرای متکلمان بنگرید به: - شهید ثانی، حقایق الایمان، مکتبه‌ی آیه‌... نجفی مرعشی، ۱۳۷۴، قم - قاضی ایجی، المواقف، عالم الکتب، بیروت، بی‌تا، ص ۳۸۵ - تفتازانی، شرح المقاصد، عالم الکتب، بیروت، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۷۶.
- [۴] فاضل مقداد سیوری. اللوامع الالهیه المباحث الکلامیه، حقه و علق علیه السید محمد علی القاضی الطباطبایی، تبریز، ۱۳۹۶ ق، ص ۳۹۲ و نیز همان در ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، تحقیق السید مهدی الرجایی، (قم، ۱۲۰۵ ق) ص ۱۴۲.
- [۵] از جمله مراجعه کنید به: - ابن‌نوبخت، الیاقوت، تحقیق علی اکبر ضیایی، (قم ۱۴۱۳ ق)، ص ۶۵ - خواجه طوسی، فصول النصیره، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش - ابن‌میثم بحرانی، قواعد المرام فی علم الکلام، تحقیق السید احمد الحسینی، (قم ۱۴۰۶) ص ۱۷۰ - فاضل مقداد، اللوامع... ص ۳۹۲ و ارشاد الطالبین ص ۶۴۲ - شهید ثانی، حقایق الایمان - علامه مجلسی، حق الیقین، تهران، بی‌تا، ص ۵۳۵.
- [۶] از جمله مراجعه کنید به: - ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، تحقیق محیی الدین عبدالحمید، مصر، ۱۳۸۹ ق، ج ۱، ص ۳۴۷ - همان، اللمع، بیروت، ۱۹۵۲ م، ص ۷۵ و ۷۶ - عبدالکریم شهرستانی، الحلو النحل، قاهره، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۱۰۱ - تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۷۶ - قاضی ایجی، المواقف، ص ۳۸۵.
- [۷] ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۲۲۱ - ۲۲۳.
- [۸] غزالی. احیاء علوم الدین، مصر، ۱۳۵۸ ق، ج ۱ ص ۱۱۶.
- [۹] تفتازانی. شرح المقاصد، ج ۵ ص ۱۸۶.]
- [۱۰] بغدادی.
- [۱۱] تفتازانی. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۷۶.
- [۱۲] خواجه طوسی، تجرید الاعتقاد، تصحیح نجفقلی حبیبی، دانشگاه تهران، ص ۲۳.

- [۱۳] علامه حلی، نهج المسترشدين (فاضل مقداد، ارشاد الطالبین).
- [۱۴] قاضی عبدالجبار معتزلی. شرح اصول خمس، قاهره، مصر، ۱۳۸۴ ق ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
- [۱۵] خواجه طوسی. قواعد العقاید، ص ۱۰۵.
- [۱۶] صحیفه‌ی نور ج ۷، ص ۳۷ و نیز ج ۱۷ ص ۵۸.
- [۱۷] بغدادی، الفرق، ص ۵۵.
- [۱۸] همان، ص ۶۳.
- [۱۹] ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهراد و النحل، قاهره، ۱۳۱۷ / ۱۳۲۱ قسمت چهارم، ص ۱۸۹.
- [۲۰] فتح المجید، ص ۶۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
 مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

- الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائز



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹